



Futuristic analysis of the decline of American power in the geometry of the new world order by the method of casual layered analysis

Khalil Koulivand*¹ | Ghorban-Ali Ghorbanzadeh Savar²

Research Paper

Received:
24 September 2023
Accepted:
29 October 2023



Abstract

After the collapse of the former Soviet Union, the United States introduced itself as the first power in the world and was able to gain a dominant position in the international arena with significant superiority in the political, military and economic fields, but currently, signs based on the political decline of this country are visible. Is. Therefore, the current research, with the future-oriented method of layer-by-layer analysis of the causes and in an exploratory way, seeks to identify the causes of the decline of American power in the geometry of the new world order. The research is of mixed applied type (qualitative and quantitative) and its data has been collected by reviewing documents, documents and library studies as well as interviews by holding two expert panels. The research approach is to use the future research method of layered analysis of causes. The results of interviews and qualitative studies were considered in the form of a researcher-made questionnaire at the disposal of a community of 73 experts. The collected data were analyzed using statistical methods and SPSS software. The findings of the research showed 47 causes, of which 17 causes are at the level of litany, 10 are at the level of causal systems (social, economic and cultural), 11 are at the level of discourse and worldview, and finally 9 are at the level of metaphors and myths. which are considered as the effective causes of the decline of American power in the geometry of the new world order.

Keywords: Futures Studies, Casual layered analysis, New World Order, Decline of Power, United States of America.

1. Corresponding Author: PhD student in Futures Studies, Faculty of Social Sciences, Imam Khomeini International University, Qazvin, Iran. Email: K.Koulivand@edu.ikiu.ac.ir

2. Associate Professor of Political Science, Faculty of Social Sciences, Imam Khomeini International University (IKIU), Qazvin, Iran. Email: Ghorbanzadeh@soc.ikiu.ac.ir

Publisher: Imam Hussein University

© **Authors**



This article is licensed under a Creative Commons Attribution 4.0 International License (CC BY 4.0).



واکاوی آینده‌پژوهانه افول قدرت آمریکا در هندسه نظم نوین جهانی به روش تحلیل لایه‌ای علت‌ها

خلیل کولیوند^{۱*} | قربانعلی قربانزاده سوار^۲

چکیده

پس از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی سابق، آمریکا خود را به‌عنوان قدرت اول جهان معرفی و با برتری قابل توجه در عرصه سیاسی، نظامی و اقتصادی توانست موقعیت مسلطی در عرصه بین‌المللی به‌دست آورد، اما در حال حاضر، نشانه‌هایی مبتنی بر افول سیاسی این کشور قابل مشاهده است. از این‌رو پژوهش حاضر با روش آینده‌پژوهانه تحلیل لایه‌لایه‌ای علت‌ها و به‌صورت اکتشافی به دنبال شناسایی علل افول قدرت آمریکا در هندسه نظم نوین جهانی است. پژوهش از نوع کاربردی به‌صورت آمیخته (کیفی و کمی) است که داده‌های آن با بررسی اسناد، مدارک و مطالعات کتابخانه‌ای و همچنین مصاحبه به‌صورت برگزاری دو پل خبرگی گردآوری شده است. رویکرد پژوهش استفاده از روش آینده‌پژوهی تحلیل لایه‌لایه‌ای علت‌ها است. نتایج مصاحبه‌ها و مطالعات کیفی به‌صورت پرسشنامه محقق-ساخت در اختیار جامعه ۷۳ نفره از صاحب‌نظران و خبرگان مدنظر قرار گرفت. داده‌های جمع‌آوری شده با استفاده از روش‌های آماری و بهره‌گیری از نرم‌افزار SPSS تجزیه و تحلیل شد. یافته‌های پژوهش ۴۷ علل را نشان داد که ۱۷ علت در سطح لایه لیتانی، ۱۰ علت در سطح لایه نظام‌های علی (اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی)، ۱۱ علت در سطح لایه گفتمان و جهان‌بینی و در نهایت ۹ علت در سطح لایه استعاره‌ها و اسطوره‌ها هستند که به‌عنوان علل مؤثر افول قدرت آمریکا در هندسه نظم نوین جهانی تلقی می‌شوند.

کلیدواژه‌ها: آینده‌پژوهی، تحلیل لایه‌لایه‌ای علت‌ها، نظم نوین جهانی، افول قدرت، ایالات‌متحده آمریکا.

۱. نویسنده مسئول: دانشجوی دکتری آینده‌پژوهی، دانشگاه بین‌المللی امام خمینی (ره)، قزوین، ایران.

Email: K.Koulivand@edu.ikiu.ac.ir

۲. دانشیار گروه علوم سیاسی، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه بین‌المللی امام خمینی (ره)، قزوین، ایران.

ناشر: دانشگاه جامع امام حسین (ع) © نویسندگان



این مقاله تحت لیسانس آفرینندگی مردمی (Creative Commons License- CC BY) در دسترس شما قرار گرفته است.

مقدمه و بیان مسئله

بعد از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی سابق و تا اواسط دهه دوم قرن بیست و یکم خیلی از کشورهای جهان آمریکا را به عنوان قدرت برتر و هژمون می‌دانستند، این تصویر به آن خاطر بود که پس از پایان جنگ سرد، این کشور از برتری قابل توجهی در عرصه‌های نظامی، سیاسی و اقتصادی برخوردار بود و عملاً توانست موقعیت مسلط خود را در عرصه بین‌المللی به دست آورد. با نگاهی به روند آنچه گفته شد می‌توان دریافت که آمریکا بعد از جنگ جهانی دوم که به نوعی با ویرانی اروپا و بخش‌هایی از جهان رو به رو بود به یک قدرت هژمون و برتر در عرصه بین‌المللی تبدیل شد و در این مسیر توانست در عرصه سیاسی و روابط بین‌الملل با پایه‌گذاری و بنیان‌گذاری سازمان ملل متحد و در عرصه اقتصادی با برخورداری از نظام برتون وودز^۱ به نوعی پشتوانه لازم را برای خود به عنوان تثبیت قدرت هژمونیک خویش فراهم نماید. علی‌رغم آنچه گفته شد از اوایل دهه ۱۹۷۰ میلادی به بعد با وقوع برخی حوادث بین‌المللی همانند ناکامی آمریکا در جنگ ویتنام و آسیب‌پذیری‌هایی که این کشور در برابر تحریم‌های نفتی سال ۱۹۷۳ با آن روبرو شد، قدرت ایالات متحده را در عرصه‌های مختلف جهانی توسط رقبای بین‌المللی‌اش به چالش کشید (حضرتی رازلقی و جاودانی مقدم، ۱۴۰۰: ۱۱۹-۱۴۵).

امروزه این بازیگر یکه‌تاز در عرصه بین‌الملل، دیگر توان خود را به عنوان قدرت برتر و هژمون از دست داده و در صحنه بین‌المللی آن اعتبار گذشته را ندارد. گویی جهان به این اداراک رسیده است آمریکا که روزی خود را مدافع حقوق بشر و حامی دموکراسی معرفی می‌کرد، در حال حاضر بیشتر آن‌ها را نقض نموده و چهره دیگری از خود را به جهانیان نشان داده است. امروزه شاهد هستیم که مردم آمریکا دیگر حاضر نیستند هزینه نگه‌داشتن این برتری جهانی را پردازند و در این مسیر، ظهور قدرت‌های اقتصادی جدید در عرصه جهانی نیز عاملی شده تا نظام سرمایه‌داری کنونی جهان به رهبری آمریکا که تا اوایل دهه هفتاد در رأس هژمونی آن قرار داشت، رو به سراسیمی گذاشته و با بروز رویدادها و علل مختلف، شاهد شکل‌گیری نظم نوینی در

۱ - نظام مدیریت پولی برتون وودز (Bretton Woods system) در اواخر جنگ جهانی دوم، قوانین روابط مالی و بازرگانی میان کشورهای ایالات متحده آمریکا، کانادا، اروپای باختری، استرالیا، و ژاپن را مشخص کرد که نخستین نمونه از یک نظام پولی کاملاً مشورتی بود و با هدف کنترل روابط پولی میان دولت‌ها و ملت‌های مستقل تأسیس شد.

جهان هستیم که در ادبیات روابط بین‌الملل امروزه از آن به‌عنوان نظم نوین جهانی یاد می‌کنند (نیکونهاد و همکاران، ۱۴۰۰: ۷-۳۵).

در واقع به‌نوعی، شرایط امروز جهان، مصداق سخنان «فرید زکریا» تحلیل‌گر روابط بین‌الملل است که عنوان می‌کند: «جهان در حال انتقال از دوران آمریکایی به دوران پسا آمریکایی است. دنیایی که پیش روی ما است، جهانی هست که ایالات متحده آمریکا در آن نه رهبر اقتصادی است و نه رهبر ژئوپلیتیک آن و نه حتی بر فرهنگ آن مسلط خواهد بود، بلکه قدرت آمریکا در این جهان نوپدید سقوط خواهد نمود». امروزه ما با «خیزش دیگران» مواجه هستیم که چشم‌انداز تازه‌ای از جهان را به وجود آورده که در این چشم‌انداز نوین، قدرت و ثروت در حال دست به دست شدن است. ما در حال گام نهادن به دنیای پسا آمریکایی هستیم که افراد آن در نقاط گوناگون هستی جهت و ماهیت آن را معلوم می‌کنند.

با توجه به آنچه مطرح شد پژوهش حاضر با هدف تحلیل لایه لایه‌ای علل افول قدرت آمریکا که در شکل‌گیری هندسه نظم نوین جهانی مؤثر هستند، به دنبال پاسخ به سؤالات زیر است:

- مهم‌ترین علل افول قدرت آمریکا در لایه لیتانی کدام‌اند؟
- چه علت‌هایی به‌عنوان علل افول قدرت آمریکا در لایه نظام‌های علی شناخته می‌شوند؟
- کدام علت‌ها به‌عنوان علل افول قدرت آمریکا در لایه جهان‌بینی و گفتمان تلقی می‌شوند؟
- کدام علت‌ها سبب افول قدرت آمریکا در سطح استعاره‌ها و اسطوره‌ها هستند؟

مبانی نظری پژوهش

با توجه به اهمیت جایگاه ابرقدرت‌ها در عرصه جهانی و نقش قدرت‌های بزرگ جهانی در ساختار نظام بین‌الملل و همچنین اثری که این بازیگران بر تحولات و رویدادهای بین‌المللی و منطقه‌ای می‌توانند بگذارند، بررسی جایگاه آن‌ها همواره یکی از دغدغه‌های پژوهشگران، نظریه‌پردازان و فعالان عرصه روابط بین‌الملل بوده است. جهان در حال گذر از دوران آشفته‌ای است که با فراز و فرودهای سختی روبرو است. روابط و تعهدات بین‌المللی باز تعریف شده‌اند و

همچنان این روند جاری است، ادبیات سیاسی در حال تغییر و تحولات اساسی است، کشورهای رقیب و بعضاً متخاصم با یکدیگر متحد می‌شوند و برخی دولت‌های متحد اتحادهای خود را می‌شکنند. در همین حال، آمریکا با اوضاع ویژه‌ای روبرو است. امروزه واشنگتن بسیاری از پیمان‌های بین‌المللی را پشت سر هم پس رانده و از آن‌ها عقب‌نشسته است و آشکارا اصول و قواعد اقتصاد لیبرال و تجارت آزاد را زیر پا می‌گذارد در حالی که این اصول را خود آمریکایی‌ها تبلیغ نموده بودند. در حال حاضر آمریکا دیگر به هیچ توافقی پایبند نیست، متحدان دیرین، سستی و گذشته خود را آزار می‌دهد و به نوعی تهدید به عقب‌نشینی از معاهدات راهبردی می‌نماید. سیاستمداران کاخ سفید به طرز دیگری عمل می‌کنند، به نظر می‌رسد که بسرعت کار می‌کنند، ثبات فکری کم‌تری دارند، آن‌ها روش‌های تغییر را ادامه می‌دهند، گویی ترسناک هستند، البته ذکر این نکته در اینجا ضروری می‌نماید که در دوره ترامپ چنین اتفاقاتی افتاد و امکان تکرار آنها در آینده نیز وجود دارد (پیرانی و رضوی، ۱۳۹۹: ۸۱-۱۲۴).

حقیقت این است که دنیا با یک رویداد مهم روبرو شده است، "کاهش قدرت آمریکا و جا به جایی قدرت از غرب به شرق". پدیده انتقال قدرت یک واقعه چند وجهی با وجوه سیاسی، نظامی، اقتصادی و اجتماعی است که اندیشمندان و متفکران غرب و شرق آن اعلام نموده‌اند و اینک به نظر می‌رسد زمان وقوع آن بسیار نزدیک شده است. نظریه "انتقال قدرت" برای اولین بار توسط جامعه‌شناس و نظریه پرداز علوم سیاسی دانشگاه میشیگان اورگانسکی^۲ و در سال ۱۹۵۸ ارائه گردید. بر این اساس، قدرت‌های بزرگ یک به یک و پس از یکدیگر در طول تاریخ به دنیا آمده‌اند، به نهایت قدرت خود رسیده‌اند و در نهایت افول کرده‌اند و این سرنوشت محتوم و اجتناب‌ناپذیر، در برابر دیدگان همه ابرقدرت‌ها قرار دارد (قامت، ۱۳۹۶: ۱۰۰).

امانوئل والراشتاین^۳ جامعه‌شناس مشهور آمریکایی و صاحب نظریه "نظام جهانی"^۴، به وضوح تأکید دارد که آمریکا مسیر سقوط را طی می‌کند و افول این کشور بالاخره قریب‌الوقوع و اجتناب‌ناپذیر خواهد بود (رضایی، ۱۳۹۶: ۲۳-۴۸).

1- Power Transition

2- Organski

3- Immanuel Wallerstein

4- The Modern World-System

از این منظر می‌توان نظریه‌های زیر را در رابطه با افول ایالات متحده مطرح نمود. برای مثال جرج مدلسکی^۱ به همراه ویلیام تامپسون^۲ در چارچوب نظریه چرخه‌های بلند^۳ می‌کوشند با مطالعه و بررسی تاریخ تحولات روابط بین‌الملل الگوهای عامی را برای تحلیل چرایی و چگونگی ظهور و افول قدرت‌های بزرگ در جایگاه رهبری جهانی یا هژمونی ارائه نمایند. به استناد این نظریه تاریخ روابط بین‌الملل نشان داده که چرخه‌های تکرار شونده از جنگ‌های در مقیاس بزرگ و رهبری جهانی وجود دارد که هر صد سال یک‌بار تکرار می‌شوند و در نتیجه وقوع این چرخه‌ها، ما شاهد انتقال و دست به دست شدن جایگاه هژمونی میان قدرت‌های بزرگ هستیم و این جایگزینی را در منزلت رهبری قدرت‌ها به‌نوعی شکل‌دهنده نظم جهانی قلمداد می‌کنند. این نظریه برای ظهور و افول هر هژمونی فرآیند چهار مرحله‌ای را در نظر می‌گیرد. مرحله اول قدرت جهانی است زمانی که قدرت برتر پس از وقوع یک جنگ جهانی ظهور می‌کند و نقش هژمون را به عهده می‌گیرد. مرحله دوم مشروعیت‌زدایی است که با بالارفتن هزینه‌های هژمون، رهبری آن زیر سؤال می‌رود. مرحله سوم تمرکززدایی است که اقتدار هژمون تضعیف می‌شود. سرانجام در مرحله چهارم جنگ جدیدی بین رقبای صورت می‌گیرد. بر اساس این مدل از قرن شانزده تاکنون چهار کشور پرتغال، هلند، بریتانیا و آمریکا به‌مقام هژمون رسیده‌اند که از این جمع سه تای اول با طی چرخه‌های خود دچار افول شده‌اند اما آخرین گزینه (آمریکا) هنوز دوران چرخه صد ساله خود را نگذرانده است (سعیدی، ۱۴۰۰: ۵-۲۹).

فعالیت‌ها و اقداماتی که ایالات متحده در سایر کشورها به انجام می‌رساند، هزینه‌های راهبردی زیادی را برای واحدهای سیاسی این کشور در پی داشته است. نظامی نمودن مناطق مختلف جهان، بی‌ثبات نمودن منطقه‌های حساس و استراتژیک جهان و بحران‌های امنیتی و نظامی که این کشور در جای‌جای جهان ایجاد نموده را می‌توان پیامد یک‌جانبه‌گرایی و مداخله‌گرایی ایالات متحده در دیگر کشورها تلقی نمود (رشاد و رشاد، ۱۴۰۰: ۱۳۷-۱۵۹).

در واقع بعد از آنکه جرج دبلیو بوش (بوش پسر)؛ تروریسم سازمان‌یافته را دشمن جدید آمریکا بعد از شوروی قرار داد و به عراق و افغانستان حمله کرد، نخستین نشانه‌های افول هژمونی

1- George Modelski
2- William R. Thompson
3- Long Cycles Theory
4- George Walker Bush

آمریکا آشکار شد. نوام چامسکی^۱، اندیشمند و نظریه پرداز مشهور آمریکایی در همان زمان گفت که افول آمریکا آغاز شده و تصور مقام‌های آمریکایی درباره اینکه این کشور قدرت بلامنزاع دنیا خواهد ماند جز خیال خوش نبوده است. در این زمان است که تد گالن کارپنتر^۲، استاد دانشگاه و عضو اندیشکده کاتو^۳ برای اولین بار از اصطلاحی به نام "افول موریانه‌ای" برای اشاره به زوال تدریجی قدرت آمریکا به دلیل برافروختن جنگ‌های متعدد و عقب افتادن از رقبایش اشاره کرد (طالعی حور و مبینی، ۱۴۰۱: ۹۵-۱۱۹).

با مراجعه به دیدگاه‌ها و نظریات نظریه پردازان مختلف در ادبیات جهان می‌توان نشانه‌هایی از افول آمریکا را مشاهده نمود. برای مثال از رهیافت نئولیبرال‌ها می‌توان به مقاله آندره لینکلتر^۴ تحت عنوان "مشکلات سیاست جهانی و پیامدهای نظام اجتماعی" اشاره نمود که در آن به موقعیت افول یافته ایالات متحده اشاره می‌شود. از سوی دیگر کنث والتز^۵ اشاره می‌کند که "موازنه عامل اصلی ایجاد تعادل میان کشورهای است که دارای اهداف تهاجم گونه هستند." وی اشاره می‌کند که اتمام جنگ سرد در فاز نخست موجب افزایش سیاست هجومی آمریکا شد. این امر در فاز بعدی هزینه‌های راهبردی ایالات متحده را بالا برد و در آخر این کشور در حوزه‌های منطقه‌ای با چالش‌های نوظهور و جدیدی روبرو شد که به نوعی هزینه‌های ژئوپلیتیک آن را فزونی بخشید. تکامل این دیدگاه را در نگاه مایک پمپئو^۶ وزیر امور خارجه دولت دونالد ترامپ می‌توان یافت. او معتقد است که "نظامی‌گری و عدم توجه به سود مشترک در ارتباطات میان کشورها، زمینه لازم را برای ایجاد و بروز چالش‌های امنیتی و نظامی آمریکا به وجود آورده است" (پمپئو، ۲۰۱۸: ۱۹۸-۲۳۴).

گریم و مورو^۷ با نگاه به الگوی کنش تاکتیکی ایالات متحده در دوران‌های بعد از جنگ سرد که مبتنی بر منازعات پایان‌ناپذیر و پرمخاطره بوده بر این نکته تأکید می‌کنند که با ایجاد بحران‌های نظامی در جهان در واقع به نوعی چالش‌های امنیتی آمریکا افزایش یافته و این نظام

1- Avram Noam Chomsky

2- Ted Gallen Carpenter

3- Cato Institute

4- Andre Linklater

5- Kenneth Neal Waltz

6 - Michael Richard Pompeo

7- Graeme & Murrow

جهانی است که بعد از جنگ سرد تحت تأثیر چالش‌های بحران‌ساز امنیتی قرار گرفته است (گریم و مورو، ۲۰۱۵: ۱۱).

از سوی دیگر بحران اقتصادی رخ داده شده در سال‌های ۲۰۰۷ و ۲۰۰۸ میلادی و تحولات و دگرگونی‌هایی که در ماهیت جنگ‌ها رخ داد، موجب شد ایالات متحده از نیروی نظامی خود به‌عنوان یک مزیت برای رسیدن به اهداف سیاسی نتواند بهره بگیرد و این امر موجب ضعیف شدن این خصلت آمریکا شده است (آهوپی و حسینی، ۱۳۹۵: ۵۱-۶۶).

افول قدرت آمریکا به‌نوعی به معنای کاهش جذابیت و مشروعیت این ابرقدرت در عرصه بین‌المللی است. علاوه بر این عده‌ای دیگر از نظریه‌پردازان بر سر این موضوع که ایالات متحده در کدام حوزه‌ها افول نموده است بحث می‌نمایند. دسته‌ای معتقدند که هژمونی آمریکا احتمالاً پایدار می‌ماند و در ادامه نیز مستمر خواهد بود. این دسته مدعی هستند که درست است که سهم آمریکا از تولید ناخالص داخلی نسبت به سال ۱۹۶۰ به میزان چهل درصد کاهش یافته، اما همچنان شرکت‌های آمریکایی هستند که در عرصه بین‌المللی نقش مسلطی را ایفا می‌نمایند. این عده معتقدند که شرکت‌های آمریکایی چالش‌های ناشی از ظهور قدرت‌های نوظهور را درک نموده‌اند و از این طریق سعی دارند قدرت‌های نوظهور را در عرصه بین‌المللی به رهبری آمریکا ادغام نمایند (رژیلیمه، ۲۰۱۹: ۱۵۷-۱۶۶).

در این خصوص می‌توان به ویلیام ولفورث^۱ و استون بروکس^۲ اشاره نموده که از طرفداران این نظریه هستند و بر این باورند که آمریکا همچنان از قدرت مادی برخوردار است و مخالف این نظریه هستند که کشورهایی همانند چین، روسیه و هند که به‌عنوان قدرت‌های نوظهور شناخته می‌شوند، چالشی برای ایالات متحده محسوب شوند (پیرانی و رضوی، ۱۳۹۹: ۹۵).

در سوی دیگر طیف وسیعی از نظریه‌پردازان و کارشناسان روابط بین‌الملل معتقدند که آمریکا در حال افول است و حتی برخی پا را فراتر گذاشته و معتقدند که این ابرقدرت در حال فروپاشی است. این دسته بر این باورند که جنگ با تروریسم از نشانه‌های فروپاشی آمریکا است. از این رو است که والراشتاین^۳ رکود اقتصادی دهه ۱۹۷۰ و حمله‌های تروریستی ۱۱ سپتامبر را عامل

1- William Wolforth

2- Aston Brooks

3- Wallerstein

آسیب‌پذیری آمریکا می‌داند. ضمن اینکه جولیان گو^۱ معتقد است که شروع دوره تجاوزگری این کشور سبب شد که عوامل سیاسی، اقتصادی، نظامی و اجتماعی که به هژمون بودن آمریکا کمک می‌کرد دیگر برای آن بازتولید نشوند. این گروه معتقد هستند که در بهترین حالت دیگر ایالات متحده قدرت برتر هژمون نیست بلکه ما شاهد ظهور قدرت‌های نوظهوری هستیم که به نوعی قدرت‌های منطقه‌ای را ایجاد نموده‌اند (رژیمه، ۲۰۱۷: ۳-۱۸).

و اما دسته سومی نیز وجود دارند که معتقدند علاوه بر جنگ با تروریسم، دلایل سیاسی هم وجود دارند که موجبات افول قدرت آمریکا را ایجاد نموده‌اند. این دسته بر این باور هستند که سیاست‌های نئولیبرال و بی‌عدالتی‌های گسترده در آمریکا چه در داخل و چه در خارج از آمریکا، سقوط آن را فریاد می‌زند. این دسته معتقدند که با فروپاشی شوروی، آمریکا به صورت یک‌جانبه و تک‌رو حرکت کرده و به گونه‌ای تمام سازوکارهای بین‌المللی را نادیده گرفته است (جهانگیری و همکاران، ۱۳۹۹: ۸۰).

یکی از عوامل اصلی تقویت و حفظ نظم لیبرال در سال‌های گذشته حفظ ارزش‌های آمریکایی بوده است. امروزه، پس از گذشت حدود ۳۰ سال از پایان نظام دوقطبی، کارشناسان بر این باورند که نظم لیبرال در فرآیند فرسایش رخ داده و با تهدیدهای جدی مواجه شده است. شاید بهترین توضیح وضعیت کنونی آمریکا توسط جان رالز^۲ فیلسوف آمریکایی گفته شده است "آمریکای امروز با آمریکای بعد از جنگ جهانی بسیار متفاوت است... اکنون بسیاری از ارزش‌های اساسی سیاسی و اجتماعی که اساس شکل‌گیری قدرت آمریکا در گذشته بودند، فراموش شده‌اند... رفتار آمریکا در زمینه اقتصادی تغییر نموده است. این زمینه‌ها مشابه رفتار ایدئولوژیک و عدم انعطاف اتحاد جماهیر شوروی در طول جنگ سرد هستند!" (جمشیدیها و قربی، ۱۴۰۰: ۶۳-۸۸).

به همان اندازه که ظهور یک ابرقدرت و قدرت هژمونی از یک روند طبیعی برخوردار است، زوال و افول ابرقدرت‌ها هم از یک روند طبیعی پیروی می‌کند. اما اینکه این افول چرا و چگونه اتفاق می‌افتد، دیدگاه‌ها و نظرات مختلفی را به خود معطوف کرده است. برخی از نظریه‌پردازان

1- Julian Goo

2- John Rawls

مانند کندی^۱ فرایندهایی را برای ظهور و سقوط امپراتوری‌های بزرگ مطرح می‌کنند. یکی از نظریه‌پردازان ظهور و افول قدرت‌های هژمون و بزرگ بر این باور است که یکی از دلایل سقوط امپراتوری‌ها و هژمون‌ها، هزینه‌های بالای اقتصادی و نظامی آنهاست که مخارج هنگفتی را روی دست آنها می‌گذارد و همزمان با افزایش حوزه قلمروی و گسترش سرزمینی آنها به کشورهای بزرگ، این هزینه‌ها به آنها تحمیل می‌گردد. مدلسکی^۲ بر مبنای نظریه‌ای که او به‌عنوان افول ابرقدرت‌ها آن را مطرح می‌کند، عنوان می‌دارد که پس از پایان یک جنگ بزرگ جهانی ابرقدرت‌ها معمولاً ظهور می‌کنند و پس از پایان جنگ با پیمان‌هایی به مشروعیت خود ادامه می‌دهند، البته این مشروعیت پس از مدتی به دلایل زیادی به چالش کشیده می‌شود و با ظهور جنگ‌های جدید، قدرت‌های تازه نیز ظهور می‌یابند. در نگاهی نزدیک به این نظریه و دیدگاه می‌توان نظریه والرشترین را مرور نمود که یک نظریه‌پرداز نئومارکسیست می‌باشد. وی معتقد است که شرایط و مسائل اقتصادی آمریکا پس از جنگ جهانی دوم آن را به‌عنوان یک ابرقدرت هژمون در مقابل سایر رقبای مطرح ساخت و آمریکا را در عرصه جهانی جلوه‌گر نشان داد و موجب شد که قدرت سیاسی و فرهنگی این کشور در نظام بین‌الملل بیش از پیش افزایش پیدا کند، که البته این به علت دوری سرزمینی آمریکا از صحنه جنگ بین‌الملل اول و دوم و همچنین ظهور و بروز تکنولوژی و فناوری‌های نوآورانه در یک دهه در آمریکا بود (والرشترین، ۲۰۱۶: ۲).

تحلیل لایه لایه‌ای علت‌ها یکی از روش‌های نوین آینده‌پژوهی است که سهیل عنایت‌الله^۳، آینده‌پژوه مسلمان و استاد دانشگاه تام کانگ تایوان آن را ابداع کرده و توسعه داده است (فخرایی و کیقبادی، ۱۳۹۶: ۱۲۷).

تحلیل لایه لایه‌ای علت‌ها اگرچه مبانی نظری و معرفتی مستحکمی دارد، اما بیشتر به‌صورت تجربی و از طریق اجرا توسعه یافته است. این روش ده‌ها و ده‌ها بار در موقعیت‌های مختلف، سازمان‌های بین‌المللی، نهادهای دولتی در سطح کشور و استان، دانشگاه‌ها، سازمان‌های غیردولتی و کسب‌وکارها استفاده شده و در این فرایند تکامل یافته و پالایش شده است (عنایت‌الله، ۲۰۰۸: ۲۱-۴).

1- Kenedy

2- George Modelsky

3- Sohail Inayatullah

این روش تحلیل گران و آینده پژوهان را ترغیب می کند تا به جای سطحی نگری، عمیق تر و ریشه ای تر به مسائل و موضوعات آینده نگاه کنند و در کنار بررسی ظاهری موضوعات، ریشه ها و دلایل اصلی بروز آن ها را نیز مطالعه کنند. روش تحلیل لایه لایه ای علت ها، روشی بسیار پیچیده برای طبقه بندی دیدگاه ها و مسائل مختلف درباره آینده است. این طبقه بندی کمک می کند تا به نحو بسیار کارآمدتری درباره آینده فکر کنیم (حاکمی و صائمی، ۱۴۰۰: ۹۱-۱۱۰).

تحلیل لایه لایه ای علت ها برای بررسی موضوعات و مطالعه آینده، چهار سطح مختلف را در نظر می گیرد که به صورت عمودی روی هم چیده شده اند. توضیحات مربوط به این لایه ها را می توان در جدول شماره ۱ مشاهده نمود.

جدول شماره ۱، توضیح سطوح چهارگانه روش تحلیل لایه لایه ای علت ها (عنایت الله، ۲۰۰۴)

سطح	توضیح
لیتانی	در این سطح با روندهای کمی، مسائل، مشکلات و بعضاً معضلاتی روبرو هستیم که اغلب بنا به دلایل سیاسی در مورد آن ها غلو می شود (مثلاً مشکلات جمعیتی) و معمولاً توسط خبرگزاری ها مطرح می شوند. سطح لیتانی بارزترین و مشهودترین سطح علت های مرتبط با موضوع است.
نظام های علی	به علل نظام مند و سیستماتیک از جمله عوامل اجتماعی، فناورانه، اقتصادی، سیاسی، زیست محیطی و تاریخی اشاره دارد. این سطح عملکرد مناسبی در توضیح علل فنی و هم چنین تجزیه و تحلیل مستند و آکادمیک دارد. نقش دولت ها و بازیگران دیگر در این سطح و همچنین منفعت ها در بیشتر موارد توسط این سطح کشف و یافت می گردد.
گفتمان یا جهان بینی	به گفتمان و جهان بینی مرتبط است و از آن پشتیبانی می نماید و به نوعی در این سطح اقدام به مشروع سازی آن می کند. در این سطح فرآیندهای عمیق تر اجتماعی و فرهنگی، آنچه که مربوط به زبان و فرهنگ مرتبط است، جستجو می شود. در این سطح فرض های عمیق و موشکافانه در پیش زمینه یک موضوع بسیار حائز اهمیت است و کوشش هایی به منظور ایجاد چشم انداز دوباره برای مسأله و موضوع مورد بحث انجام می شود.
اسطوره یا استعاره	در این سطح روایت های ژرف و الگوهای همگانی، یعنی ابعاد ناخودآگاه و معمولاً احساسی مسئله مشخص می گردد. این سطح یک تجربه احساسی - غریزی در رابطه با جهان بینی و نگاه به جهان مورد نظر فراهم می سازد.

در روش تحلیل لایه لایه‌ای علت‌ها بر عکس تمام روش‌های دیگر آینده‌پژوهانه، به بررسی و تجزیه و تحلیل روندها، مطالعه تطبیقی پویش در افق‌های مدنظر، سناریوها و طرح‌های نگاشت محور و روش پس‌نگری که بر حوزه‌های افقی و فضایی متمرکز است، تأکید می‌شود و معمولاً بُعدهای عمومی را که به نام «لایه‌ها» و بعضاً سطوح چهارگانه تلقی می‌شوند، لحاظ می‌کند. این روش در پی «تعریف‌زدایی» از آینده است. هدف از پیاده‌سازی تحلیل لایه لایه‌ای علت‌ها ساخت‌شکنی پدیده‌های اجتماعی و رسیدن به درکی عمیق از لایه‌های زیرین مسائل و مشکلات است. در تحلیل لایه لایه‌ای علت‌ها حالت‌های مختلف دانستن اعم از علمی-تجربی، تفسیری-تاویلی، و فلسفی-انتقادی یکپارچه می‌شوند. ارزش و سودمندی این روش در پیش‌بینی بهتر و دقیق‌تر آینده نیست بلکه با ایجاد فضاهای گذار، زمینه لازم را برای خلق آینده‌های بدیل فراهم می‌کند. همچنین کاربرد این روش هنگام سیاست‌گذاری عمومی و درازمدت نهایتاً منجر به تهیه بینش‌های جامع‌تر، ژرف‌تر و اثربخش‌تر می‌شود (عنایت‌ا...، ۲۰۰۴).

چالش اصلی کاربرد روش تحلیل لایه لایه‌ای علت‌ها حرکت بالا به پائین و پائین به بالا در بین این چهار سطح است. بنابراین روش مذکور همه اشکال مختلف دانستن را در بر می‌گیرد. تنها از طریق واکاوی عمیق و زیربنایی لایه‌های علی است که می‌توان مطمئن شد آینده‌های بدیل و ناب شناخته و بررسی خواهند شد. ویژگی برجسته روش تحلیل لایه لایه‌ای علت‌ها این است که با تردید و شکاکیت درباره علت اصلی آغاز می‌شود. به هر صورت چه در آغاز و چه در انجام آینده در معرض سؤال و پرسش قرار می‌گیرد (خزائی و همکاران، ۱۳۹۴: ۲۶-۴۱).

روش تحلیل لایه لایه‌ای علت‌ها به پساساختارگرایی تعلق دارد. در این روش برخلاف روش‌هایی مانند "برنامه‌ریزی برپایه سناریوها"، "پس‌نگری از آینده به امروز" و "تحلیل موضوعات نوپدید"، بر گسترش افقی فضای آینده‌ها کمتر تمرکز می‌شود. در واقع کانون تمرکز این روش گسترش عمودی فضای آینده یا همان لایه‌های زیرین و ضمنی پدیده‌هاست. معمولاً اکثر روش‌های "آینده‌پژوهی" در سطحی‌ترین لایه‌ها باقی مانده و کمتر به عمق پدیده‌ها نفوذ می‌کنند. البته از آنجا که تسلط بر این روش و کاربرد درست و مناسب آن مستلزم استعداد‌های تحلیلی پیشرفته و مهارت‌های هرمونتیک قوی است که همگی ریشه در علوم انسانی، فلسفه و

اسطوره‌شناسی دارند، احتمالاً اکثر مشاوران آینده‌پژوه در ابتدا در زمینه فهم و کاربرد این روش مشکل خواهند داشت (سیفی کلستان و همکاران، ۱۴۰۱: ۱۱-۴۸).

پیشینه پژوهش

مطابق با بررسی‌های انجام شده در منابع تحقیقاتی و در پایگاه‌های اطلاعاتی و نشریات معتبر علمی خارجی و داخلی، مواردی پیرامون موضوعاتی که به‌نوعی با این پژوهش مرتبط بوده‌اند، شناسایی شد اما این منابع همه متغیرها و ابعاد پژوهش حاضر را با هم بررسی نکرده‌اند و در آن‌ها فقط به برخی از مؤلفه‌های مدنظر محققین این پژوهش توجه شده است که در ادامه نمونه‌هایی از این پژوهش‌ها در جدول شماره ۲ ارائه می‌گردد. ضمن اینکه ذکر این نکته نیز حائز اهمیت است که تاکنون در حوزه موضوع پژوهش حاضر، روش تحلیل لایه‌ای علت‌ها به کار گرفته نشده است.

جدول شماره ۲، پیشینه مطالعاتی مرتبط با پژوهش

محقق	سال	عنوان پژوهش	یافته‌ها
دهشیری	۱۳۹۷	افول قدرت نرم آمریکا؛ دلایل و پیامدها	یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که در مقطعی چهار ساله‌ای که ترامپ رئیس‌جمهوری آمریکا بود، موقیعت آمریکا رو به افول گذاشت و سیاست‌های این رئیس‌جمهوری بر روند افزایشی آن افزود. نگارنده معتقد است دلایل درون‌زا و عوامل برون‌زا بر کاهش قدرت نرم آمریکا موثر بوده است. این پژوهش دلایل درون‌زا را شامل انتخاب رویکردهای درون‌گرایانه، مبتنی بر منفعت، نظامی‌گرایانه و انحصارطلبانه می‌داند و دلایل برون‌زا را در عواملی همانند سیاست‌های یک‌جانبه‌گرایانه آمریکا، ماجراجویی، مداخله‌جویی و آنتاگونیسم از طرف آمریکا و همچنین افزایش تهدیدهای نامتقارن از سمت بازیگران مسلح غیردولتی در عرصه بین‌الملل، فراهم آمدن زمینه‌های جابه‌جایی قدرت از غرب به بلوک شرق آسیا و پیدایش بازیگران نوظهور شرقی می‌داند.
جمشیدیه و قربی	۱۴۰۰	افول قدرت نرم آمریکا؛ دیدگاه‌ها و زمینه‌ها	پژوهشگران در این پژوهش به دنبال دیدگاه‌ها و زمینه‌های افول قدرت نرم آمریکا هستند. یافته‌های پژوهشگران نشان می‌دهد که علل افول قدرت نرم آمریکا شامل مواردی از قبیل پیدایش قدرت‌های نو و تازه در عرصه بین‌الملل، بحران‌ها و تنش‌های داخلی در آمریکا،

محقق	سال	عنوان پژوهش	یافته‌ها
			کاهش اثر جهانی بر نهادهای مالی و اقتصادی درونی، بی‌اعتبار شدن دیپلماسی آمریکایی، هزینه‌ها هنگفت و کمرشکن سیاسی و اقتصادی ناشی از نظامی‌گری، کم شدن قدرت هنجاری، از بین رفتن رؤیای آمریکایی در اذهان جهانیان، کاهش توان اقتصاد و بدهی‌های ناشی از آن می‌باشد.
سعیدی	۱۴۰۰	تحلیل چیهستی، چرایی و چگونگی افول آمریکا از منظر تئوری چرخه‌های بلند	یافته‌های پژوهش که مبتنی بر روش تطبیق نظریه با مورد می‌باشد و پژوهشگر از نظریه چرخه‌های بلند به منظور تجزیه و تحلیل افول آمریکا پرداخته است. وی پاسخ می‌دهد که از بین چهار مراحل نظریه مورد نظر که برای ظهور و افول قدرت‌های بزرگ شمرده می‌شود، هم اکنون آمریکا در مرحله سوم که به‌عنوان تمرکززدایی ناشی از ظهور رقبای جدید نام دارد، ایستاده است.
آجورلو	۱۴۰۰	سیاست خارجی جدید آمریکا؛ افول از جایگاه ابرقدرت به جایگاه قدرت بزرگ جهانی	محققین تلاش نموده‌اند تا در این پژوهش به واکاوی موقعیت آمریکا در نقش یک ابرقدرت در ساختار سیستم بین‌المللی به تحلیل واکنش‌ها و کنش‌ها، رویکردها و سوگیری‌های سیاسی آمریکا در بحث بین‌الملل پرداخته شود. پژوهش حاضر با نگاهی موشکافانه به بحث سیاست خارجی آمریکا در افق زمانی کوتاه‌مدت، میان‌مدت و بلندمدت پرداخته و رفتارهایی همانند اقدامات ضدنهادی، کاهش توان برقراری اجماع در سطح بین‌المللی، از دست رفتن گزینه‌های پیش‌روی ایالات متحده، فزونی انفعال در پرونده‌های مهم منطقه‌ای و بین‌المللی را نشانه‌هایی مبنی بر از بین رفتن و کاهش موقعیت این کشور در ساختار سیستم بین‌المللی می‌داند.
سید محسنی باغسنگانی	۱۴۰۱	نظریه افول آمریکا از نگاه آیت‌الله خامنه‌ای (مدظله العالی)	نتایج نهایی این تحقیق در قالب مدل خروجی از روش داده‌بنیاد به این شرح است که پدیده محوری این تحقیق افول آمریکا به معنای از بین رفتن عقیده مردم آمریکا و جهان به نظام سیاسی آمریکاست. بستر تاریخی جنایات آمریکا در ایران و جهان و دلایل متعدد عقلی و مفاهیمی نظیر استکبار، نظام سلطه، استعمار و شیطان اکبر شرایط زمینه‌ای افول هستند و علت فاعلی افول، سنت‌های الهی است که در صورت آگاهی ملت‌ها و مشاهده ناشی از این بیداری اتفاق می‌افتد. راهبرد یا استراتژی نهایی پیشنهادی این مدل روشنگری یا بیدارسازی

محقق	سال	عنوان پژوهش	یافته‌ها
			ملت‌هاست.
مرادپیری و رضانی تکلیمی	۱۴۰۱	افول هژمونی آمریکا از دیدگاه اندیشمندان غربی (فوکویاما و هانتینگتون)	افول در آمریکا از زمانی آغاز شد که این کشور با برهم زدن موازنه قدرت در جهان و از بین بردن نظام دوقطبی به دنبال تأمین منافع ملی آمریکا در نظام تک قطبی برآمد. اگرچه مبنای این پژوهش، تأکید بر نظریات فوکویاما و هانتینگتون می‌باشد، اما از نظریات دیگر اندیشمندان غربی نیز در راستای دستیابی به پاسخ سؤال این مقاله استفاده شده است.

با توجه به بررسی پیشینه پژوهش که بخشی از آن در جدول (۲) ارائه شد، نکات زیر به صورت خلاصه مشاهده می‌شود:

- توجه ویژه پژوهش‌ها و مقالات به اهمیت افول آمریکا با ارائه دیدگاه‌ها و نظریه‌های مختلف با توجه به مقوله‌های روابط بین‌الملل و پویایی محیط جوامع امروزی؛
- اهمیت نگاه هدفمند به موضوع افول آمریکا و نقش آن در شکل‌گیری هندسه نظم نوین جهانی با در نظر گرفتن تمامی عوامل مرتبط آن؛
- موارد زیر را می‌توان به‌عنوان ضرورت‌های انجام این پژوهش برشمرد:
- توجه به تهدیدها و فرصت‌های مطرح در حوزه نظم نوین جهانی با امعان نظر به رویکرد تحولات منطقه‌ای و جهانی رخ داده شده در این حوزه متأثر از افول آمریکا؛
- شناسایی مؤلفه‌های مؤثر در شکل‌گیری هندسه نظم نوین جهانی با توجه به فرایند رخ داده شده در نظریه افول آمریکا.

روش‌شناسی پژوهش

این پژوهش از نوع کاربردی با رویکرد آمیخته است که با انجام مطالعات کتابخانه‌ای و برگزاری جلسات ذهن‌انگیزی و توفان فکری علل افول قدرت آمریکا در هندسه نظم نوین جهانی را شناسایی و اولویت‌بندی نموده است. در مرحله دوم با برگزاری یک جلسه پنل خبرگی متشکل از هفت نفر از خبرگان و صاحب‌نظران علل احصاء شده، در چهار لایه مربوط به روش تحلیل

لایه‌ای علت‌ها دسته‌بندی شدند. بر اساس دسته‌بندی انجام شده، پرسش‌نامه‌ای تهیه و به جامعه نمونه ۷۳ نفره از صاحب‌نظران این حوزه جهت اولویت‌بندی و رتبه‌بندی علل ارائه شده است. خبرگان و صاحب‌نظران مدنظر پژوهش شامل جمعی از اساتید، دانشجویان دکتری و کارشناسی ارشد روابط بین‌الملل دانشگاه‌های تهران، خواجه نصیر و دانشگاه‌های آزاد تهران مرکز و علوم تحقیقات تهران و امور دفاعی و راهبردی در دانشگاه عالی دفاع ملی بوده است که دموگرافی آنها به شرح جدول شماره ۳ ارائه شده است.

جدول شماره ۳، دموگرافی خبرگان و صاحب‌نظران مورد استفاده در پژوهش

رتبف	طبقه خبرگان	جنسیت	میزان تحصیلات	رشته تحصیلی	عنوان شغلی	میزان آشنایی به موضوعات روابط بین‌الملل و آمریکا راهبردی‌داری	میزان آشنایی به آینده‌پژوهی، تحلیل محیط و راهبردی‌داری	نوع آشنایی به آینده‌پژوهی، تحلیل محیط و راهبردی‌داری
۱	خبرگان و صاحب‌نظران جهت مصاحبه اولیه	تماماً مرد	تماماً دکتری	روابط بین‌الملل	مرتبط با موضوعات راهبردی	بسیار زیاد	عموماً زیاد	عموماً آکادمیک و تجربی
۲	پرسش‌شوندگان	تماماً مرد	دکتری، دانشجویان دکتری و کارشناسی ارشد	روابط بین‌الملل، مدیریت راهبردی، آینده‌پژوهی	دانشجویان و فارغ التحصیلان مرتبط با عنوان پژوهش	عموماً زیاد	عموماً زیاد	عموماً آکادمیک

داده‌های به‌دست‌آمده با استفاده از روش‌های آماری توصیفی و استنباطی و به کمک نرم‌افزار SPSS تجزیه و تحلیل شدند. در تجزیه و تحلیل علل وقوع بر اساس میزان تأثیر علت مدنظر و تعداد نظرات پرسش‌شوندگان در خصوص همبستگی علل افول قدرت آمریکا در تحلیل علل استفاده

شد. رتبه‌بندی علل بر حسب ضریب پراکندگی در جدول فراوانی داده‌ها (ضریب پراکندگی کمتر، اولویت بالاتر) انجام شده است. ضمناً برای تعیین جامعه آماری و حجم نمونه سعی شد تا جامعه آماری از بین صاحب‌نظران آشنا به موضوع انتخاب شوند.

یافته‌های پژوهش

پس از مطالعه اسناد و مدارک و تجزیه و تحلیل نظرات افراد صاحب‌نظر با استفاده از روش تحلیل محتوی، ۴۷ علت به‌عنوان علل افول قدرت آمریکا استخراج شد که در جدول شماره ۴ ارائه شدند.

جدول شماره ۴، علل شناسایی شده افول قدرت آمریکا

علل احصاء شده
مداخله مستقیم یا غیرمستقیم در امور سایر کشورها به بهانه برقراری صلح (a ₁) تضعیف ساختارهای سیاسی آمریکا (a ₂) ظهور قدرت‌های بزرگ منطقه‌ای (a ₃) کم‌تعهدی آمریکا (a ₄) بی‌ثباتی نظم سلطه‌گرایانه لیبرال (a ₅) یک‌جانبه‌گرایی (a ₆) نقض حقوق بشر (a ₇) کاهش نفوذ سیاسی در میان متحدان و رقبا (a ₈) هزینه‌های بالای نظامی (a ₉) کاهش جذابیت و مشروعیت در عرصه بین‌الملل (a ₁₀) کاهش سهم جهانی تولید ناخالص داخلی ایالات متحده به میزان یک چهارم نسبت به سال ۱۹۶۰ (a ₁₁) حذف پشتوانه طلا از دلار آمریکا (a ₁₂) ظهور قدرت‌های نوظهور چین، هند و روسیه (a ₁₃) افزایش ظهور کشورهای در حال توسعه (a ₁₄) رفتار دوگانه ایالات متحده در قبال تروریسم (a ₁₅) تضعیف بنیادهای قدرت در ایالات متحده با ظهور سیاست نئولیبرال (a ₁₆) دلار بی ارزش شده (a ₁₇) تشکیل محور مقاومت و تضعیف ایدئولوژی لیبرالیسم (a ₁₈) عدم اعتقاد به راهکارهای سیاسی همکاری‌جویانه، چندجانبه‌گرایی و مشترک (a ₁₉) تحریم‌های ظالمانه (a ₂₀) ترویج رفتارهای اعتمادزدا در عرصه بین‌الملل (a ₂₁) نفوذ چین به کشورهای آفریقایی و عربی (a ₂₂) رسوایی در زندان‌های ابوغریب و گوانتانامو (a ₂₃) قراردادهای نظامی و امنیتی آمریکا با متحدان (a ₂₄) حمله و اشغال دو کشور افغانستان و عراق (a ₂₅) خروج از شورای حقوق بشر (a ₂₆) تهدید کارمندان دادگاه بین‌المللی کیفری به تحریم مالی (a ₂₇) بیرون رفتن از سازمان‌های جهانی مربوط به مهاجرت (a ₂₈) ترور سردار دل‌ها (a ₂₉) لغو عضویت در یونسکو (a ₃₀) بروز نشانه‌های گرایشی جهانی به سمت چندقطبی (a ₃₁) رشد سیاسی و فرهنگی اتحادیه اروپا (a ₃₂) آمریکاستیزی در روسیه به ویژه در بین جوانان روسی (a ₃₃) آمریکای مداخله‌گر (a ₃₄) افزایش آگاهی مدنی ملت‌ها (a ₃₅) مقابله محور مقاومت با گروهک تروریستی تکفیری (a ₃₆) حرکت حکومت‌های امروزی به سوی مردم سالاری (a ₃₇) هسته‌ای شدن کره شمالی (a ₃₈) بسط و گسترش فرهنگ منطقه‌گرایی و تشکیل هژمون‌های منطقه‌ای (a ₃₉) مقابله با تلاش‌های روسیه در کریمه و اوکراین (a ₄₀) درگیری اروپا با مهاجرین قبیله‌گرا ناشی از ظهور جریان‌های سلفی (a ₄₁) کاهش ۲۵ درصدی شاخص بازدهی آموزشی در ایالات متحده (a ₄₂) رشد هزینه‌های بخش دولتی آمریکا

علل احصاء شده
(a43) کاهش ذخایر نفتی و گاز طبیعی (a44) انفجار بدهی‌های بین‌المللی آمریکا (a45) امنیتی نمودن چهره منطقه (a46) آمریکای یک‌جانبه‌گرا (a47)

پس از نظرخواهی از صاحب‌نظران که در قالب پرسش‌نامه‌ای نظرات کارشناسانه خبرگان مدنظر اخذ و با توجه به ماهیت روش تحلیل لایه‌ای علت‌ها و تعریف این لایه‌ها، علت‌های بالا در چهار لایه به شرح جدول شماره ۵ تقسیم‌بندی گردید.

جدول شماره ۵، تقسیم‌بندی علل به چهار لایه بر اساس روش تحلیل لایه‌ای علت‌ها

عنوان لایه	علت‌ها
لایه لیتانی	ظهور قدرت‌های بزرگ منطقه‌ای (a3) هزینه‌های بالای نظامی (a9) کاهش جذابیت و مشروعیت در عرصه بین‌الملل (a10) حذف پشتوانه طلا از دلار آمریکا (a12) افزایش ظهور کشورهای در حال توسعه (a14) ترویج رفتارهای اعتمادزدا در عرصه بین‌الملل (a21) نفوذ چین به کشورهای آفریقایی و عربی (a22) خروج از شورای حقوق بشر (a26) تهدید و ارباب کارمندان دادگاه بین‌المللی کیفری به تحریم مالی (a27) بروز نشانه‌های گرایشی جهانی به سمت چندقطبی (a31) افزایش آگاهی مدنی ملت‌ها (a34) مقابله محور مقاومت با گروهک تروریستی تکفیری (a35) هسته‌ای شدن کره شمالی (a37) درگیری اروپا با مهاجرین قبیله‌گرا ناشی از ظهور جریان‌های سلفی (a40) رشد هزینه‌های بخش دولتی آمریکا (a42) کاهش ذخایر نفتی و گاز طبیعی (a43) انفجار بدهی‌های بین‌المللی آمریکا (a44)
لایه نظام‌های علی	مداخله مستقیم یا غیرمستقیم در امور سایر کشورها به بهانه برقراری صلح (a1) بی‌ثباتی نظم سلطه‌گرایانه لیبرال (a5) کاهش سهم جهانی تولید ناخالص داخلی ایالات متحده به میزان یک چهارم نسبت به سال ۱۹۶۰ (a11) ظهور قدرت‌های نوظهور چین، هند و روسیه (a13) رسوایی در زندان‌های ابوغریب و گوانتانامو (a23) بیرون رفتن از سازمان‌های جهانی مربوط به مهاجرت (a28) لغو عضویت در یونسکو (a30) آمریکاستیزی در روسیه به ویژه در بین جوانان روسی (a33) مقابله با تلاش‌های روسیه در کریمه و اوکراین (a39) امنیتی نمودن چهره منطقه (a45)
گفتمان یا جهان‌بینی	تضعیف ساختارهای سیاسی آمریکا (a2) پافشاری در یک‌جانبه‌گرایی (a6) نقض حقوق بشر (a7) رفتار دوگانه ایالات متحده در قبال تروریسم (a15) تضعیف بنیادهای قدرت در

عنوان لایه	علتها
	ایالات متحده با ظهور سیاست نئولیبرال (a16) تشکیل محور مقاومت و تضعیف ایدئولوژی لیبرالیسم (a18) قراردادهای نظامی و امنیتی آمریکا با متحدان و امنیتی نمودن چهره منطقه (a24) حمله و اشغال دو کشور افغانستان و عراق (a25) رشد سیاسی و فرهنگی اتحادیه اروپا (a32) حرکت حکومت‌های حال حاضر به سمت مردم سالاری (a36) بسط و گسترش فرهنگ منطقه‌گرایی و تشکیل هژمون‌های منطقه‌ای (a38)
استعاره‌ها و اسطوره‌ها	کم تعهدی آمریکا (a4) کاهش نفوذ سیاسی در میان متحدان و رفقا (a8) دلار بی‌ارزش شده (a17) عدم اعتقاد به راهکارهای سیاسی همکاری‌جویانه، چندجانبه‌گرایی و مشترک (a19) تحریم‌های ظالمانه (a20) ترور سردار دل‌ها (a29) آمریکای مداخله‌گر (a34) کاهش ۲۵ درصدی شاخص بازدهی آموزشی در ایالات متحده (a41) آمریکای یک‌جانبه‌گرا (a46)

در مرحله بعد علل شناسایی شده در قالب پرسش‌نامه‌ای در اختیار خبرگان و کارشناسان جامعه آماری قرار گرفت و از ایشان خواسته شد بر اساس طیف لیکرت (کاملاً موافقم (۵)، موافقم (۴)، نظری ندارم (۳)، مخالفم (۲) و کاملاً مخالفم (۱)) به سؤالات پرسش‌نامه، پاسخ داده و نظرات خود را نسبت به هر سؤال مطرح نمایند. پس از جمع‌آوری پرسش‌نامه‌ها، نتایج حاصل از توزیع فراوانی مربوط به پاسخ‌های ارائه شده در سطح لایه لیتانی به شرح جدول شماره ۶ قابل مشاهده است.

جدول شماره ۶، توزیع فراوانی مربوط به پاسخ‌های مطرح‌شده در سطح لیتانی

سطح معنی داری	آماره آزمون	فاصله اطمینان		تکرار	پهنای کدگذاری	واریانس	دقت	جمع	میزان توافق					شاخص
		حد بالا	حد پایین						کاملاً مخالفم	مخالفم	نظری ندارم	موافقم	کاملاً موافقم	
تائید	14.93	4.74	4.33	1	0.194	0.77	4.53	73	1	2	7	12	51	a ₃
تائید	10.70	4.56	4.07	7	0.243	1.10	4.32	73	2	5	5	15	46	a ₉
تائید	8.39	4.44	3.89	13	0.285	1.41	4.16	73	4	5	6	14	44	a ₁₀
تائید	9.42	4.47	3.97	9	0.262	1.22	4.22	73	5	1	4	21	42	a ₁₂
تائید	12.57	4.58	4.16	3	0.213	0.87	4.37	73	1	3	8	16	45	a ₁₄
تائید	7.23	4.31	3.75	15	0.302	1.48	4.03	73	4	7	6	18	38	a ₂₁

سطح معنی داری	آماره آزمون	فاصله اطمینان		اولویت	ضریب پراکندگی	واریانس	میانگین	جمع	میزان توافق					شاخص
		حد بالا	حد پایین						کاملاً مخالفم	مخالفم	نظری ندارم	موافقم	کاملاً موافقم	
تائید	11.12	4.55	4.08	6	0.234	1.02	4.32	73	2	3	8	15	45	a ₂₂
تائید	8.52	4.45	3.91	12	0.283	1.40	4.18	73	5	4	2	19	43	a ₂₆
تائید	6.85	4.30	3.72	16	0.315	1.60	4.01	73	6	4	7	16	40	a ₂₇
تائید	11.90	4.55	4.11	4	0.220	0.91	4.33	73	1	4	7	18	43	a ₃₁
تائید	7.79	4.35	3.81	14	0.291	1.41	4.08	73	4	6	5	19	39	a ₃₄
تائید	10.07	4.55	4.05	8	0.257	1.22	4.30	73	4	3	3	16	47	a ₃₅
تائید	6.37	4.24	3.65	17	0.321	1.61	3.95	73	5	7	7	17	37	a ₃₇
تائید	11.43	4.54	4.09	5	0.228	0.97	4.32	73	2	2	9	16	44	a ₄₀
تائید	8.69	4.41	3.89	10	0.273	1.28	4.15	73	3	5	8	16	41	a ₄₂
تائید	13.66	4.63	4.22	2	0.201	0.79	4.42	73	1	3	5	18	46	a ₄₃
تائید	8.45	4.38	3.86	11	0.275	1.29	4.12	73	3	5	9	16	40	a ₄₄

- با توجه به ستون ضریب پراکندگی، علل مذکور در این لایه اولویت‌بندی شدند (ضریب پراکندگی کوچک‌تر در اولویت بالاتر) و سه اولویت بالاتر عبارت‌اند از:
1. ظهور قدرت‌های بزرگ منطقه‌ای؛
 2. کاهش ذخایر نفتی و گاز طبیعی؛
 3. افزایش ظهور کشورهای در حال توسعه.

همان‌طور که در ستون آخر مشاهده می‌شود با مقایسه مقدار آماره آزمون و مقدار بحرانی (مقدار بحرانی آماره آزمون ۱/۶۴) علل افول قدرت آمریکا، هر یک از موارد تعیین شده در این لایه مورد تأیید قرار گرفت. ضمن اینکه با توجه به میانگین پاسخ‌های دریافتی از خبرگان و کارشناسان که حوالی میانگین است و با توجه به واریانس و ضریب پراکندگی حاصل شده سطح معنی‌داری داده‌های حاصل شده از اعتبار مورد نیاز برخوردار است. همچنین با توجه به پاسخ‌های

دریافتی از کارشناسان، حداقل ۶۳٪ از ۸۱٪ خبرگان به هر سؤال مطرح شده برای این لایه پاسخ موافقم و کاملاً موافقم داده‌اند که نشان می‌دهد خبرگان علل مورد نظر را تأیید نموده‌اند و پذیرش آن‌ها را در این لایه نیز با درصد قابل پذیرفتی، قبول دارند. نتایج حاصل از توزیع فراوانی مربوط به پاسخ‌های مطرح شده در سطح نظام‌های علی (اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی) به شرح جدول شماره ۷ مطرح شد.

جدول شماره ۷، توزیع فراوانی مربوط به پاسخ‌های مطرح شده در سطح نظام‌های علی

سطح معنی داری	آماره آزمون	فاصله اطمینان		پهنای	ضریب پراکندگی	وابستگی	بزرگی	جمع	میزان توافق					تأیید
		حد بالا	حد پایین						کاملاً مخالفم	مخالفم	نظری ندارم	موافقم	کاملاً موافقم	
تأیید	11.50	4.49	4.06	5	0.222	0.90	4.27	73	2	3	4	26	38	a ₁
تأیید	9.40	4.46	3.95	10	0.261	1.20	4.21	73	3	5	4	20	41	a ₅
تأیید	15.16	4.62	4.25	2	0.183	0.66	4.44	73	0	4	3	23	43	a ₁₁
تأیید	15.88	4.66	4.30	1	0.178	0.63	4.48	73	1	2	2	23	45	a ₁₃
تأیید	10.52	4.45	3.99	7	0.235	0.98	4.22	73	2	4	5	25	37	a ₂₃
تأیید	9.38	4.41	3.92	9	0.255	1.12	4.16	73	3	4	5	24	37	a ₂₈
تأیید	12.18	4.53	4.10	4	0.214	0.85	4.32	73	1	4	5	23	40	a ₃₀
تأیید	11.43	4.54	4.09	6	0.228	0.97	4.32	73	2	3	6	19	43	a ₃₃
تأیید	12.95	4.53	4.13	3	0.203	0.77	4.33	73	0	4	8	21	40	a ₃₉
تأیید	9.86	4.43	3.95	8	0.246	1.07	4.19	73	1	7	6	21	38	a ₄₅

با توجه به ستون ضریب پراکندگی در این لایه، علل شناسایی شده اولویت‌بندی شدند (ضریب پراکندگی کوچک‌تر در اولویت بالاتر) که سه اولویت بالاتر عبارت‌اند از: ۱- ظهور قدرت‌های نوظهور چین، هند و روسیه، ۲- کاهش سهم جهانی تولید ناخالص داخلی ایالات متحده به میزان یک چهارم نسبت به سال ۱۹۶۰ و ۳- مقابله با تلاش‌های روسیه در کریمه و اوکراین. همان‌طور که در ستون آخر مشاهده می‌شود با مقایسه مقدار آماره آزمون و مقدار بحرانی هر یک از موارد تعیین شده در این لایه مورد تأیید قرار گرفته است. ضمن اینکه با توجه به

میانگین پاسخ‌های دریافتی از خبرگان و کارشناسان که حوالی میانگین است و با توجه به واریانس و ضریب پراکندگی حاصل شده سطح معنی‌داری داده‌های حاصل شده از اعتبار مورد نیاز برخوردار است. همچنین با توجه به پاسخ‌های دریافتی از کارشناسان، حداقل ۸۵/۸۹٪ از خبرگان به هر سؤال مطرح شده برای این لایه پاسخ موافقم و کاملاً موافقم داده‌اند که نشان می‌دهد خبرگان علل مورد نظر را تأیید نموده‌اند و پذیرش آن‌ها را در این لایه نیز با درصد قابل پذیرفتی، قبول داشته‌اند.

نتایج حاصل از توزیع فراوانی مربوط به پاسخ‌های مطرح شده در سطح گفتمان یا جهان‌بینی به شرح جدول شماره ۸ مطرح شد.

جدول شماره ۸، توزیع فراوانی مربوط به پاسخ‌های مطرح شده در سطح گفتمان یا جهان‌بینی

سطح معنی‌داری	آماره آزمون	فاصله اطمینان		آزمون آرتان	ضریب پراکندگی	واریانس	بزرگی نمونه	میزان توافق					تأیید	
		حد بالا	حد پایین					کاملاً مخالفم	مخالفم	نظری ندارم	موافقم	کاملاً موافقم		
تأیید	11.79	4.57	4.12	9	0.224	0.95	4.34	73	2	3	5	19	44	a ₂
تأیید	11.82	4.60	4.14	10	0.227	0.98	4.37	73	2	4	3	18	46	a ₆
تأیید	12.97	4.61	4.19	7	0.209	0.85	4.40	73	2	2	4	20	45	a ₇
تأیید	12.44	4.57	4.14	8	0.214	0.87	4.36	73	2	3	2	24	42	a ₁₅
تأیید	13.88	4.63	4.22	6	0.198	0.77	4.42	73	2	1	4	21	45	a ₁₆
تأیید	14.07	4.58	4.19	5	0.192	0.71	4.38	73	1	2	5	24	41	a ₁₈
تأیید	18.13	4.70	4.37	3	0.159	0.52	4.53	73	0	2	4	20	47	a ₂₄
تأیید	20.60	4.70	4.40	1	0.141	0.41	4.55	73	0	1	3	24	45	a ₂₅
تأیید	10.56	4.54	4.06	11	0.245	1.11	4.30	73	4	1	5	18	45	a ₃₂
تأیید	16.23	4.66	4.30	4	0.174	0.61	4.48	73	2	0	1	26	44	a ₃₆
تأیید	19.95	4.70	4.40	2	0.146	0.44	4.55	73	0	1	4	22	46	a ₃₈

با توجه به ستون ضریب پراکندگی علل شناسایی شده، اولویت‌بندی شدند (ضریب پراکندگی کوچک‌تر در اولویت بالاتر) و سه اولویت بالاتر عبارت‌اند از: ۱- حمله و اشغال دو کشور

افغانستان و عراق، ۲- بسط و گسترش فرهنگ منطقه‌گرایی و تشکیل هژمون‌های منطقه‌ای و ۳- قراردادهای نظامی و امنیتی آمریکا با متحدان و امنیتی نمودن چهره منطقه. همان‌طور که در ستون آخر مشاهده می‌شود با مقایسه مقدار آماره آزمون و مقدار بحرانی علل افول آمریکا، هر یک از موارد تعیین شده در این لایه مورد تائید قرار گرفته است.

ضمن اینکه با توجه به میانگین پاسخ‌های دریافتی از خبرگان و کارشناسان که حوالی میانگین است و با توجه به واریانس و ضریب پراکنندگی حاصل شده سطح معنی‌داری داده‌های حاصل شده از اعتبار مورد نیاز برخوردار است. همچنین با توجه به پاسخ‌های دریافتی از کارشناسان، حداقل ۹۰/۴۱٪ از خبرگان به هر سؤال مطرح شده برای این لایه پاسخ موافقم و کاملاً موافقم داده‌اند که نشان می‌دهد خبرگان علل مورد نظر را تائید نموده‌اند و پذیرش آن‌ها را در این لایه نیز با درصد قابل پذیرفتی، قبول داشته‌اند.

نتایج حاصل از توزیع فراوانی مربوط به پاسخ‌های مطرح شده در سطح استعاره‌ها یا اسطوره‌ها در جدول شماره ۹ مطرح شد.

جدول شماره ۹، توزیع فراوانی مربوط به پاسخ‌های مطرح شده در سطح استعاره‌ها یا اسطوره‌ها

سطح معنی داری	آماره آزمون	فاصله اطمینان		تائید	ضریب پراکنندگی	واریانس	ضریب پراکنندگی	نمونه	میزان توافق					تائید
		حد بالا	حد پایین						کاملاً مخالفم	مخالفم	نظری ندارم	موافقم	کاملاً موافقم	
تائید	13.15	4.53	4.13	1	0.200	0.75	4.33	73	1	3	4	27	38	a ₄
تائید	10.24	4.53	4.04	8	0.251	1.15	4.29	73	3	4	4	17	45	a ₈
تائید	10.58	4.54	4.06	7	0.244	1.10	4.30	73	3	3	5	17	45	a ₁₇
تائید	12.08	4.61	4.16	5	0.223	0.96	4.38	73	3	2	2	20	46	a ₁₉
تائید	10.20	4.45	3.98	7	0.242	1.04	4.22	73	3	3	4	25	38	a ₂₀
تائید	12.64	4.57	4.15	3	0.207	0.84	4.36	73	2	2	4	23	42	a ₂₉
تائید	12.64	4.57	4.15	6	0.210	0.84	4.36	73	2	2	4	23	42	a ₃₄
تائید	13.01	4.54	4.14	4	0.209	0.78	4.34	73	1	3	5	24	40	a ₄₁
تائید	13.01	4.54	4.14	2	0.203	0.78	4.34	73	1	3	5	24	40	a ₄₆

با توجه به ستون ضریب پراکندگی علل افول آمریکا که بر شکل‌گیری هندسه نظم نوین جهانی مؤثرند در این لایه اولویت‌بندی شدند (ضریب پراکندگی کوچک‌تر در اولویت بالاتر) و سه اولویت بالاتر عبارت‌اند از: ۱- کم‌تعهدی آمریکا، ۲- آمریکای یک‌جانبه‌گرا و ۳- ترور سردار دل‌ها.

همان‌طور که در ستون آخر مشاهده می‌شود با مقایسه مقدار آماره آزمون و مقدار بحرانی علل افول آمریکا هر یک از موارد تعیین شده در این لایه مورد تأیید قرار گرفته است. ضمن اینکه با توجه به میانگین پاسخ‌های دریافتی از خبرگان و کارشناسان که حوالی میانگین است و با توجه به واریانس و ضریب پراکندگی حاصل شده سطح معنی‌داری داده‌های حاصل شده از اعتبار مورد نیاز برخوردار است. همچنین با توجه به پاسخ‌های دریافتی از کارشناسان، حداقل ۸۷/۴۸٪ از خبرگان به هر سؤال مطرح شده برای این لایه پاسخ موافقم و کاملاً موافقم داده‌اند که نشان می‌دهد خبرگان علل مورد نظر را تأیید نموده‌اند و پذیرش آن‌ها را در این لایه نیز با درصد قابل‌پذیرفتی، قبول داشته‌اند.

نتیجه‌گیری و پیشنهادها

با توجه به مطرح شدن موضوع افول آمریکا در ماهیت قدرت که هم بُعد قدرت نرم و هم بُعد قدرت سخت را در بر می‌گیرد و همچنین تأثیری که این افول قدرت آمریکا که در مقطعی به‌عنوان هژمون شناخته می‌شد، می‌تواند بر نظم جهانی بگذارد، تحقیق حاضر بر آن بوده تا علل افول قدرت آمریکا که مؤثر بر شکل‌گیری هندسه نظم نوین جهانی هستند را با علم آینده‌پژوهی و بر اساس روش تحلیل لایه‌ای علت‌ها مورد بررسی قرار دهد. علل مذکور در واقع نشانه‌هایی است که به‌نوعی به‌عنوان علل افول قدرت نرم و قدرت سخت ایالات متحده محسوب می‌شوند و بعضاً برخی نیز سرعت فزاینده‌ای به موضوع مورد بحث بخشیده‌اند. به همین جهت موضوع را در قالب چهار هدف گنجانده و بر اساس متغیرهای مستقل، پرسش‌نامه تهیه و بین جامعه نمونه توزیع گردید. نتایج با توجه به تجزیه و تحلیل حاصل از بررسی اسناد و مدارک تحقیق و پرسش‌نامه دریافتی از جامعه نمونه به شرح زیر ارائه می‌گردد:

لایه اول - لایه لیتانی: بر اساس یافته‌های به‌دست آمده از اسناد و مدارک و انجام مصاحبه با خبرگان و کارشناسان در رابطه با افول قدرت آمریکا که مؤثر بر شکل‌گیری هندسه نظم نوین جهانی در سطح لایه لیتانی هستند با ساماندهی و استخراج فراوانی علل اشاره شده، مهم‌ترین علل نشان‌دهنده افول قدرت آمریکا در سطح لیتانی ظهور قدرت‌های بزرگ منطقه‌ای، هزینه‌های بالای نظامی، کاهش جذابیت و مشروعیت در عرصه بین‌الملل، حذف پشتوانه طلا از دلار آمریکا، افزایش ظهور کشورهای در حال توسعه، ترویج رفتارهای اعتمادزدا در عرصه بین‌الملل، نفوذ چین به کشورهای آفریقایی و عربی، خروج از شورای حقوق بشر، تهدید و ارباب کارمندان دادگاه بین‌المللی کیفری به تحریم مالی، بروز نشانه‌های گرایشی جهانی به سمت چندقطبی، افزایش آگاهی مدنی ملت‌ها، مقابله محور مقاومت با گروهک تروریستی تکفیری، هسته‌ای شدن کره شمالی، درگیری اروپا با مهاجرین قبیله‌گرا ناشی از ظهور جریان‌های سلفی، رشد هزینه‌های بخش دولتی آمریکا، کاهش ذخایر نفتی و گاز طبیعی و انفجار بدهی‌های بین‌المللی آمریکا می‌باشند. بر اساس اطلاعات به‌دست آمده از داده‌های پرسش‌نامه و تجزیه و تحلیل توصیفی و با توجه به ضریب پراکندگی محاسبه‌شده، علت‌های اولویت‌دار اول تا سوم به شرح زیر تعیین شدند:

- ظهور قدرت‌های بزرگ منطقه‌ای (۰/۱۹۴)، کاهش ذخایر نفتی و گاز طبیعی (۰/۲۰۱) و افزایش ظهور کشورهای در حال توسعه (۰/۲۱۳).

لایه دوم - لایه نظام‌های علی: بر اساس یافته‌های به‌دست آمده از اسناد و مدارک و انجام مصاحبه با خبرگان و کارشناسان در رابطه با افول قدرت آمریکا که مؤثر بر شکل‌گیری هندسه نظم نوین جهانی در سطح لایه نظام‌های علی (علل اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی) هستند با ساماندهی و استخراج فراوانی علل اشاره شده، مهم‌ترین علل افول قدرت آمریکا در سطح لایه مذکور مداخله مستقیم یا غیرمستقیم در امور سایر کشورها به بهانه برقراری صلح، بی‌ثباتی نظم سلطه‌گرایانه لیبرال، کاهش سهم جهانی تولید ناخالص داخلی ایالات متحده به میزان یک چهارم نسبت به سال ۱۹۶۰، ظهور قدرت‌های نوظهور چین، هند و روسیه، رسوایی در زندان‌های ابوغریب و گوانتانامو، بیرون رفتن از سازمان‌های جهانی مربوط به مهاجرت، لغو عضویت در یونسکو، آمریکاستیزی در روسیه به ویژه در بین جوانان روسی، مقابله با تلاش روسیه در کریمه و اوکراین

و امنیتی نمودن چهره منطقه می‌باشند. بر اساس اطلاعات به‌دست آمده از داده‌های پرسش‌نامه و تجزیه و تحلیل توصیفی و با توجه به ضریب پراکندگی محاسبه شده، علت‌های اولویت‌دار اول تا سوم به شرح زیر تعیین شدند:

- ظهور قدرت‌های نوظهور چین، هند و روسیه (۰/۱۷۸)، کاهش سهم جهانی تولید ناخالص داخلی ایالات متحده به میزان یک چهارم نسبت به سال ۱۹۶۰ (۰/۱۸۳)، مقابله با تلاش‌های روسیه در کریمه و اوکراین (۰/۲۰۳).

لایه سوم - لایه گفتمان و جهان‌بینی: بر اساس یافته‌های به‌دست آمده از اسناد و مدارک و انجام مصاحبه با خبرگان و کارشناسان در رابطه با افول قدرت آمریکا که مؤثر بر شکل‌گیری هندسه نظم نوین جهانی در سطح لایه گفتمان و جهان‌بینی هستند با ساماندهی و استخراج فراوانی علل اشاره شده، مهم‌ترین علل افول قدرت آمریکا در سطح لایه مذکور تضعیف ساختارهای سیاسی آمریکا، پافشاری در یک‌جانبه‌گرایی، نقض حقوق بشر، رفتار دوگانه ایالات متحده در قبال تروریسم، تضعیف بنیادهای قدرت در ایالات متحده با ظهور سیاست نئولیبرال، تشکیل محور مقاومت و تضعیف ایدئولوژی لیبرالیسم، قراردادهای نظامی و امنیتی آمریکا با متحدان و امنیتی نمودن چهره منطقه، حمله و اشغال دو کشور افغانستان و عراق، رشد سیاسی و فرهنگی اتحادیه اروپا، حرکت حکومت‌های حال حاضر به سمت مردم‌سالاری و بسط و گسترش فرهنگ منطقه‌گرایی و تشکیل هژمون‌های منطقه‌ای می‌باشند. بر اساس اطلاعات به‌دست آمده از داده‌های پرسش‌نامه و تجزیه و تحلیل توصیفی و با توجه به ضریب پراکندگی محاسبه شده، علت‌های اولویت‌دار اول تا سوم به شرح زیر تعیین شدند:

- حمله و اشغال دو کشور افغانستان و عراق (۰/۱۴۱)، بسط و گسترش فرهنگ منطقه‌گرایی و تشکیل هژمون‌های منطقه‌ای (۰/۱۴۶)، قراردادهای نظامی و امنیتی آمریکا با متحدان و امنیتی نمودن چهره منطقه (۰/۱۵۹).

لایه چهارم - استعاره‌ها و اسطوره‌ها: بر اساس یافته‌های به‌دست آمده از اسناد و مدارک و انجام مصاحبه با خبرگان و کارشناسان در رابطه با افول قدرت آمریکا که مؤثر بر شکل‌گیری هندسه نظم نوین جهانی در سطح لایه استعاره‌ها و اسطوره‌ها هستند با ساماندهی و استخراج

فراوانی علل اشاره شده، مهم‌ترین علل افول قدرت آمریکا در سطح لایه کم تعهدی آمریکا، کاهش نفوذ سیاسی در میان متحدان و رفقا، دلار بی‌ارزش شده، عدم اعتقاد به راهکارهای سیاسی همکاری جویانه، چندجانبه‌گرایی و مشترک، تحریم‌های ظالمانه، ترور سردار دل‌ها، آمریکای مداخله‌گر، کاهش ۲۵ درصدی شاخص بازدهی آموزشی در ایالات متحده و آمریکای یک‌جانبه‌گرا می‌باشند. بر اساس اطلاعات به‌دست آمده از داده‌های پرسش‌نامه و تجزیه و تحلیل توصیفی و با توجه به ضریب پراکندگی محاسبه‌شده، علت‌های اولویت‌دار اول تا سوم به شرح زیر تعیین شدند:

- کم تعهدی آمریکا (۰/۲۰۰)، آمریکای یک‌جانبه‌گرا (۰/۲۰۳)، ترور سردار دل‌ها (۰/۲۰۷).

فهرست منابع

- آجورلو، حسین. (۱۴۰۰). سیاست خارجی جدید آمریکا؛ افول از جایگاه ابرقدرت به جایگاه قدرت بزرگ جهانی. مطالعات راهبردی آمریکا، ۲۱(۲)، صص ۹۳-۱۰۹.
- آدمی، علی. قریشی، سیده مهدیه. (۱۳۹۴). افول قدرت نرم آمریکا: شاخص‌ها و مؤلفه‌ها. فصلنامه علمی - پژوهشی سیاست جهانی. ۴(۴)، صص ۱۸۷-۲۲۰.
- آهویی، مهدی. و حسینی، دیاکو. (۱۳۹۵). افول هژمونی آمریکا: معنای انتقال قدرت در نظام جهانی و الزامات سیاستگذاری. مطالعات راهبردی سیاستگذاری عمومی، ۶(۲۰)، صص ۵۱-۶۶.
- بلالی اسکویی، آریتا. حیدری ترکمانی، مینا. و دیبا، فرید. (۱۳۹۸). تحلیل لایه‌ای علت‌های تغییر مفهوم محله در ارتباط با حس تعلق و ارایه سناریوهای بدیل. دانش شهرسازی، ۳(۳)، صص ۶۵-۸۱.
- پیرانی، شهره. و رضوی، سید عبدالله. (۱۳۹۹). بررسی پارامترهای سیاسی-اقتصادی افول ایالات متحده آمریکا. پژوهش‌های روابط بین‌الملل، ۱۰(۴)، صص ۸۱-۱۲۴.
- پیری، هادی مراد. و رضوانی تکلیمی، داود. (۱۴۰۱). افول هژمونی آمریکا از دیدگاه متفکرین غربی با تأکید بر نظریات فوکویاما و هانتینگتون. فصلنامه راهبرد سیاسی، ۶(۳)، صص ۷۱-۹۳.
- جمشیدیها، غلامرضا. و قربی، سیدمحمدجواد. (۱۴۰۰). افول قدرت نرم آمریکا؛ دیدگاه‌ها و زمینه‌ها. مطالعات راهبردی آمریکا، ۱(۴)، صص ۶۳-۸۸.

جهانگیری، سعید. فرحان جم، مهسا. و متقی، ابراهیم. (۱۳۹۹). واکاوی چگونگی افول هژمونی آمریکا در عرصه جهانی با تاکید بر ویروس کرونا (از منظر حقوقی و سیاسی). جستارهای سیاسی معاصر، ۱۱(۴)، صص ۷۱-۹۳.

حاکمی، محسن. صائمی، داوود. (۱۴۰۰). تحقّق ماهیّت امکانی در آینده با ابتناء بر امکان استقبالی. آینده پژوهی انقلاب اسلامی، ۲(۴)، ۹۱-۱۱۰.

حضرتی رازلیقی، محمد امین. و جاودانی مقدم، مهدی. (۱۴۰۰). تأملی بر دیالکتیک افول‌گرایی و بازسازی هژمونی آمریکا. مطالعات راهبردی آمریکا، ۱(۱)، صص ۱۱۹-۱۴۵.

دهشیری، محمدرضا. (۱۳۹۷). افول قدرت نرم آمریکا؛ دلایل و پیامدها. فصلنامه علمی مطالعات قدرت نرم، ۸(شماره ۲)، صص ۳۵-۶۸.

رشاد، افسانه. و رشاد، معصومه. (۱۴۰۰). چرایی و فرآیند افول آمریکا؛ یک‌جانبه‌گرایی و درگیری‌های پایان‌ناپذیر. مطالعات راهبردی آمریکا، ۱(۳)، صص ۱۳۷-۱۵۹.

رضایی، علیرضا. (۱۳۹۶). چالش‌های نظام بین‌الملل پساجنگ سرد و هژمونی ایالات متحده آمریکا. فصلنامه مطالعات سیاسی، ۹(۳۶)، صص ۲۳-۴۸.

سعیدی، روح الامین. (۱۴۰۰). تحلیل چیستی، چرایی و چگونگی افول آمریکا از منظر تنوری چرخه‌های بلند. مطالعات راهبردی آمریکا، ۱(۱)، صص ۵-۲۹.

سیفی کلستان، ابوذر. قرایی آشتیانی، محمدرضا. و پورصادق، ناصر. (۱۴۰۱). بررسی روش شناسی و جایگاه مفهومی نشانه‌های ضعیف در ادبیات آینده‌پژوهی و فناوری‌های نوپدید؛ یک مطالعه‌ی مقایسه‌ای کیفی. آینده پژوهی انقلاب اسلامی، ۳(۳)، ۱۱-۴۸.

طلعی حور، رهبر. مبینی، زهرا. (۱۴۰۱). چرایی افول هژمونی آمریکا مبتنی بر نظریه رابرت کاکس، فصلنامه جستارهای سیاسی معاصر. ۱۳(۳)، ۹۵-۱۱۹.

فخرایی، مرضیه. و کیقبادی، مرضیه. (۱۳۹۶). نگاهی به روش‌های آینده‌پژوهی؛ معرفی شش تکنیک مهم و پرکاربرد در آینده‌پژوهی/ترجمه و تألیف مرضیه فخرایی، مرضیه کیقبادی، تهران، انتشارات آینده‌پژوه.

نیکونهاد، ایوب. مرادی، عبدالله. محمدی، زهره. و محمدی خانقاهی، محسن. (۱۴۰۰). سناریوهای آینده روابط ایران و آمریکا در افق پنج ساله براساس رویکرد سناریونویسی. آینده‌پژوهی انقلاب اسلامی، ۲(۳)، صص ۷-۳۵.

والرشیتین، امانوئیل (۲۰۱۶). سخنرانی علمی موقعیت ژئوپلیتیک ایالات متحده آمریکا از ۱۹۴۵؛ از هژمونی تا افول غیرقابل بازگشت. مرکز تحقیقات استراتژیک ریاست جمهوری.

Adami, A., & Ghorashi, M. (2016). The Decline of America's Soft Power, Measures and Components. World Politics, 4(4), 240-203, [In Persian].

Ahouie, M., & Hosseini, D. (2016). Decline of American Hegemony: The Meaning of Power Transition in the World System and Implications for

- Policy Making. Strategic Studies of public policy, 6(20), 51-66, [In Persian].
- Ajorlou, H. (2021). A New US Foreign Policy; The Decline from a Superpower to a Great World power. American Strategic Studies, 1(2), 93-109, [In Persian].
- Belali Oskui, A., Heydari Turkmani, M., & Diba, F. (2019). Causal Layered Analysis of the Change in the Concept of the Neighborhood in Relation with the Sense of Belonging and Presenting the Alternative Scenarios. Urban Planning Knowledge, 3(3), 65-81, [In Persian].
- Dehshiri, M. R. (2019). The Fall of U.S. Soft Power: Causes and Consequences. Soft power Studies, 8(2), 35-68, [In Persian].
- Fakhrai, M. & Kiqbadi, M. (2016), a look at futures studies methods; Introduction of six important and widely used techniques in future studies/translated and authored by Marzieh Fakhraei, Marzieh Kiqbadi, Tehran, Eidehpajoh Publications, [In Persian].
- Graeme, W. & Murrow, E. (2015), "What ISIS Really Wants?" Atlantic, Vol 8(123), Pages 47-789.
- Hakemi, M., & saemi, D. (2022). The Realization of the Nature of Possibility in the future on the Basis of the possibility of independent. Futures Studies Of The Islamic Revolution, 2(4), 91-110, [In Persian].
- Hazrati Razlighi, M. A., & Javdani Moghaddam, M. (2021). An Investigation of Decline and Reconstruction Dialectic of American Hegemony. American Strategic Studies, 1(1), 119-145, [In Persian].
- Inayatullah, Sohail, 2008, "Six Pillars: futures thinking for transforming," Foresight, 20(1), 4-21.
- Jahangiri, S., farhaanjam, M., & Mottaghi, E. (2021). Analyzing how US hegemony in the world is declining with Kidd emphasizing the Corona virus (from a legal and political perspective). Contemporary Political Studies, 11(4), 71-93, [In Persian].
- Jamshidiha, G. R., & Ghorbi, S. M. J. (2022). The Decline of American Soft Power; Perspectives and Backgrounds. American Strategic Studies, 1(4), 63-88, [In Persian].
- Nikunahad, A., Moradi, A., Mohammadi, Z., & Mohammadi Khanghahi, M. (2021). Future Scenarios of Iran-US Relations over a Five-Year Horizon Based on a Hypothesis-Based Scripting Approach. Futures Studies Of The Islamic Revolution, 2(3), 7-35, [In Persian].
- Pirani, S., & razavi, S. A. (2021). Investigating the Political-Economic Parameters of the Decline of the United States of America. International Relations Researches, 10(4), 81-124, [In Persian].

- piri, H., & Ramezani Taklimi, D. (2022). Study on US hegemony Decline due to the Western Think tanks perspective Emphasizing the theories of Fukuyama and Huntington. *Journal of Political Strategy*, 6(3), 71-93, [In Persian].
- Pompeo, Michael R (2018), "Confronting Iran; The Trump Administration's Strategy", *Foreign Affairs*, Vol. 97, No. 6, November and December. Pp 198-234.
- Regilme Salvador Santino F Jr, and James Parisot. (2017), "Introduction: American Hegemony – Global Cooperation and Conflict" *American Hegemony and the Rise of Emerging Powers*, Abingdon and New York: Routledge. 2017. 3–18.
- Regilme, Salvador Santino F. Jr. (2019), *The Decline of American Power and Donald Trump: Reflections on Human Rights, Neoliberalism, and the World Order*. *Geoforum*, (102) June: 157- 166.
- Reshad, A., & Rashad, M. (2021). Reasons and the Process of the U.S. Decline: Unilateralism and Endless Conflicts. *American Strategic Studies*, 1(3), 137-159, [In Persian].
- Rezaei, A. (2016). The challenges of the Cold War international system and the hegemony of the United States of America. *Political Studies Quarterly*, 9(36), pp. 23-48, [In Persian].
- Saedi, R. (2021). nalyzing the Reasons for the Decline of the USA from the Viewpoint of Long Cycles Theory. *American Strategic Studies*, 1(1), 5-29, [In Persian].
- Seifi Kalestan, A., Gharayi Ashtiyani, M., & Poursadegh, N. (2022). Exploration of Weak Signals methodology and conceptual position in Futures Studies and Emerging Technologies literature :A Comparative Qualitative Study. *Futures Studies Of The Islamic Revolution*, 3(3), 11-48, [In Persian].
- Slaughter, R., "Integral Operating System "World Future Society, July 2003. Drawing on Sohail Inayatullah; Dennis List, "3 Maps or the Future," July 18, 2003; Andy Hines, UH-Clear Lake, 2006.
- Taleihour, R. Mobini, Z. (2023). Why the decline of American hegemony based on the theory of Robert Cox, *Quarterly Journal of Contemporary Political Studies*. 13(3), 95-119, [In Persian].
- Wallerstein, E. (2016). Scientific lecture on the geopolitical position of the United States of America since 1945; From hegemony to irreversible decline. *Presidential Strategic Research Center*, [In Persian].